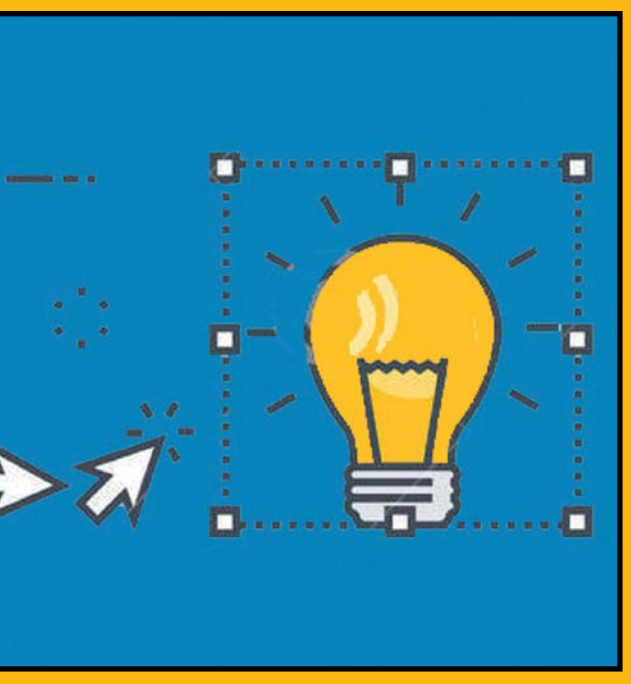
برای کشف چیزی ک

استعد

مسا

اصولا زیاد شـنیده ایم که فطرت انسـان را به «لوح سـفید» تعبیر می کنند. ا
کلاف این شماره تحمیل نماید. فطرت انسان اتفاقا اصلا هم لوح نیست.
از اپلیکیشن های متفاوت اند و آدم تا سراغش نرود و نصبش نکند نمی ت
یک سری مقدمات روی آدم فعال شود. حالامی خواهد قابلیت نامبرده م
البته در این شماره از کلاف قرار نیست درباره فطرت صحبت کنیم. قرار است
جمله را بگوییم که استعداد از «تعدد» مهارت ها در انواع و اقسام مختلف می آید ولی اص



برهم زنندگان سرنوشت



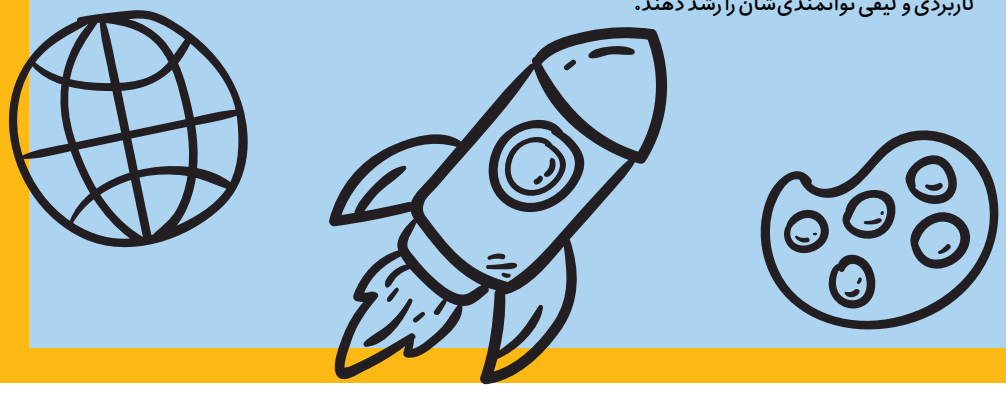
اگرچـه بعضـی آدم ها به قـول معروف از پر قنداقشـان همینطور مهـارت و توانایی می بـارد و ظرفیـت هـای متعدد خوبـی را دارند و دسـت به هرکاری که نه ولی دسـت به خیلی کار هـا کـه می زنند می توانند خوش بدرخشـند اما به این معنا نیسـت که دسـته ای دیگر بـا توانایی های کمتر نتوانند آدم های موفقی شوند.
مثل تجربه رشته دو میدانی!
آن کسی که خداراشکر سالم و سلامت است و روی دوپا راه می رود که هیچ اما آن آدمی که از نعمت جسـم سـالم بی بهره است هـم همان اسـتعداد خودتان بیشـتر از ایـن که ذاتـی باشد «اکتسـابی» است.

عمیق تر کنندگان ظرف توانایی

شـاید گوشـه ای از بـالا بـردن سـطح توانایی هـای آدم، آموزشـی باشـد. یعنی تا پا به توپ نشـوی و ندانی چطور می شود با گوشه انتهایی سمت چپ حنجره میانی ات صحبت کنی، نمی توانـی فوتبـال و خوانندگـی را یاد بگیـری اما همین آمـوزش هم نیازمند پـرورش ظرفیت و بهتر کردن توانمندی است.
اساسا نویسنده این همه مقدمه چینی می کند که بگوید استعداد صرفا آموزشی نیست و آدم باید ظرف خودش رابرای آن توانایی آنقدر عمیق و بزرگ کند تا در آن حرفه بهترین بشود. نه این که مثل معنای کلمه استعداد، تعـدد توانایـی پیـدا کنـد و در هـزار حرفـه اصطلاحـا به بخور و نمیر بودن اکتفا کند.

نسبت دهندگان قیمه ها و ماست ها

بعضی ها برای بزرگ کردن ظرف خود و رشد استعداد صرفا به دنبال افزودن تعداد کلاس ها و حرفه هایی که به آنها علاقه دارند می روند. این افراد به دلیل در آوردن چشم آشنایان و پرورش حس دیگر شاخ پنداری در کنه وجود دیگران دست به این اقدام می زنند. خداوکیلی هم تا به الان موفق عمل کرده اند. نمود این عملکرد درستشان راهم در جمله «فلانی چیش از تو کمتره» از سـمت والدین می توانید هرروز و هر سـاعت مشـاهده کنید. حالا این که طرف با این حجم از تعدد کلاس و پرورش اسـتعداد، زبان فرانسـه با ایتالیایی و والیبال را با هندبال قاطی می کند و نمی داند جناب بیهقی شـاعر نیسـت و نمونه بارز ریختن قیمه ها در ماست هاست اصلا مهم نیست!
این در حالی اسـت که بعضی دیگر، گمنام و بدون فخر فروشـی روی یک یا چند اسـتعداد خاص تمرکز کرده وسـعی می کنند کاربردی و کیفی توانمندی شان را رشد دهند.



اهـداف آدم اصـولا بر اسـاس سـلیقه اش انتخ
نویسـنده خودمان. وقتی چشـم برجهان گشود
یک انگیزه ای برای زندگی و پیش برد آینده اش د
مسیر نوشتن انتخاب کرد.
مهارت های مورد نیاز را کسـب کرد و ظرفیتش ر
هرروز بهتر از پیش باشد.
رسالت اما چیزی فراتر از خواسته و سلیقه است
کـه بـا اهداف آدم متفاوت اسـت. اینجا رسـالت
می کند و خبری هم از دل بخواه و سلیقه شخص
بعضـی هـا در توانمند کردن ظرفیت هایشـان م
ایـن عالـم مـی لنگد که به قول آدم بـزرگ ها زیر
و نقششـان را اینطـور ایفـا کنند. گرچـه باز هم د
توانمندی لازم را داشـته باشـند ولی اولویت با
نیست!
مصداق بارز این جمله اسـت که می گوید هر آده
یـک کاری در عالـم انجـام دهد و راسـتش بهتر
نمی آید که می گوید:
از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود...

زهرا قربانی

پژوهش
محمدصادق
امانی